

املائی وقتی بوعلی کودک بود

بسمه تعالی

نام و نام خانوادگی :

آموزگار : میلاد محمودزاده

دور کلماتی که درست نوشته شده است خط بکشید.

شوهر مهربان ، دست ستاره ، همسر ناتوان خود را که تازه از (بصتر- بستر) بیماری (برخواسته - برخاسته) بود ، در دست داشت و خداوند را شکر می کرد. اینک به شکرانه ی بهبودی تو باید گوسفندی را (نظر- نضر - نذر) کنیم و قربانی کنیم. حسین از همان (سپیده دم- صپیده دم) سر در کتاب دارد. ستاره به (صیمای - سیمای) همسرش خیره شد و گفت : " چرا اینقدر با حسین (سروکله - سروکله) می زنی ؟ ".
عبدالله لبخندی زد و گفت : " تو مادر (دلسوز - دلصوز) و مهربانی هستی ".
اشک شوق از (دیدگان - دیده گاه) ستاره فرو ریخت و گفت : " ای خدای بزرگ ! این پسرک (ناضنین - نازنین) من در این دو سه ماهه راه چند ساله را پیموده است؟ ".

(تیب - طبیب) حیرت زده می کوشید با پاسخ های ساده و کودکانه او را آرام کند به او یاد آوری کرد که تو بسیار باهوش و (کنجکاو - کنج کاو) هستی. حسین کمی (تأمل - تأمل) کرد.

گروه آموزشی عصر

سربلند و پیروز باشید عزیزانم!
www.mydars.ir

ارزشیابی :